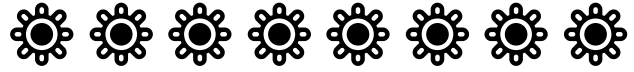


مرد یخی | ترنج [ترنج], ۱۹,۰۴,۲۰ ❄️

[۲۲:۰۲]



#پارت ۱۷۵

#ترنج

اگه مشکلی هست یا خوشت نمیاد به من بگو که من بگم

نه تو اینجوری اذیت نشی

مامان با دستمال تو دستش سیب پاک کرد و گفت: نه من
چه مشکلی دارم
فقط یه سوال پرسیدم

امدم چیزی بگم که عمو متین ابروش پروند بالا یعنی
ساکت باشن آهسته گفت: برو تو اتاقت..

بی هیچ حرفی رفتم داخل اتاقم جلو آینه به سر وضعم
نگاه کردم

تیپم ساده و قشنگ بود روسریم معدل دار بسته بودم

یاد سامیار افتادم دقیقا یکماه بعد جریان دانشگاه من
دیگه کاریش نداشتم نه محلس میدادم نه تماساش
جواب میدادم

همه پیام هاشم بی جواب بود اخری دیگه خسته شد و تو
دانشگاه به زور جلوم گرفت و گفت: بهار هیچ معلومه چته

چرا جواب تلفنت نمیدی چرا اینجوری رفتار می کنی؟؟؟
مشکلی پیش آمده باز؟

_نه مشکلی پیش نیومده ولی از اینکه دارم بی سر صدا
زندگیم میکنم تو مشکلی داری؟؟؟

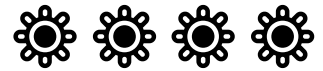
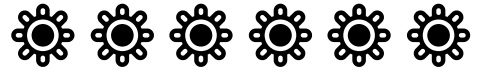
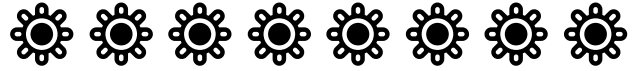
دلت میخواد باز همجا حرفمون شه حراست بیاد؟؟

_نه این چه حرفیه اما تو قرار شد به من فرصت بدی
بعدش شرط دومت نگفتی
اینجوری بی محل کردی

_شرط دومم همین بود کاری بهم نداشته باشیم شماهم
اگه کاری داری میتونی با خانوادت به صورت رسمی بیایی
و....

مرد یخی | ترنج [۲۱,۰۴,۲۰ ❄️

[۲۱:۵۹



#پارت ۱۷۶

#ترنج

شرط دومم همین بود کاری بهم نداشته باشیم شما هم
اگه کاری داری میتونی با خانوادت به صورت رسمی بیایی

اینو گفتم و منتظر جواب نمودم جیم زدم یجورایی میشه
گفت خجالت کشیدم
صدای خندیدن سامیارو پشت سرم شنیدم

توجه ایی نکردم و رفتم دقیقا فردا اون روز تلفن مامانم
زنگ خورد مادر سامیار بود می خواست وقت بگیره

نمیدونم ماما چرا اولش شوکه شد و رنگش پرید و
گفت: اگه امکانش هست بعد برای مشخص کردن روز
صحبت کنیم

من یلحظه هنگ کردم نفهمیدم چی به چیه ولی خور و
حرف ماما نمی شد حرف زد دیگه منم چیزی نگفتم

سامیار پیام داد رو گوشیم گفت: مامانت مشکلی داره بهار
راضی نیست؟ میخواد پیام خودم باهاش صحبت کنم

بعد از مدت ها جوابش دادم و نوشتم : نه نیازی نیست

خلاصه بعد از اون شب مامان سامیار باز زنگ زد و مامانم
اجازه داد که برای امشب بیان من پر از حس بودم

هم نگران بودم هم خوشحال بودن هم دلشوره داشتم
اصلا معلوم نبود چمه
همینجوری زل زده بودم به آیینه

که پیامی از سامیار برام امد تو وات ساپ بود رفتم نگاه
کردم که نوشته بود: خانمم کجایی آماده شدی؟ شاهزاده
رویاهات داره میاد

از پرویش خندم گرفت و از کلمه خانمم گفتنش ذوق
کردم و...

